

درس چهارم: (کدام تصویر از جهان؟)

درسنامه

آنچه در این درس خواهیم خواند:

- بحث از مفهوم اتفاق و معانی آن

معنای مفهوم (اتفاق) از نگاه ایشمندان و دانشمندان:

الف) فیلسوفان قبل از سقراط:

(دموکریتوس)

ماده اولیه تشکیل دهنده جهان؛ اتم‌ها و ذرات ریز غیرقابل تجزیه و تقسیم هستند که در فضای غیر متناهی پراکنده بوده و سرگردان حرکت می‌کنند و به صورت اتفاقی با یکدیگر برخوردی داشته‌اند که از برخوردهای اتفاقی آنان؛ ذرات هم اندازه و هم شکل گرد هم جمع شده و عناصر اصلی عالم طبیعت را تشکیل داده‌اند.

ب) دانشمندان زیست‌شناس:

از آغاز پیدایش موجودات زنده بر روی زمین، جانداران بی‌شماری به وجود آمده‌اند که در اثر ناسازگاری با محیط زندگی از بین رفته‌اند، فقط آن دسته از جانداران که تغییرات بدنی آن‌ها (اتفاقاً) سازگار با محیط بوده و به حیات خود ادامه، رشد کرده‌اند و تکثیر شده‌اند.

ج) دانشمندان فیزیک:

آغاز جهان بر اثر یک انفجار بزرگ بوده است (نظریه بیگ‌بنگ (مه‌بانگ))

با پذیرش این دیدگاه برخی تصور کرده‌اند که پیدایش جهان، اتفاقی و بدون علت بوده است.

مهمترین اقدام فیلسوفان:

- دقت در مفاهیم عامیانه

- نقد و تصحیح مفاهیم عامیانه

- تعمیق مفاهیم عامیانه

کلمه

مهمترین کتاب فلسفی ابن سینا، «الهیات شفا» بوده و شیخ‌الرئیس بوعلی سینا در این کتاب درباره «اتفاق» و «شانس» سخن گفته و نظر مردم را در مورد این مفاهیم تصحیح کرده است.

معانی مختلف «اتفاق»

۱. رابطه ضروری میان علت و معلول: میان پدیده‌ها و علت‌های آن‌ها، رابطه ضروری وجود ندارد، مثال: عوامل پیدایش باران موجود باشد اما باران نیارد و برعکس.
۲. رابطه سنخیت و تناسب میان علت و معلول: سنخیت و تناسبی میان اشیاء و آثار آن‌ها نیست، به وجود آمدن یک اثر از پدیده‌ای که هیچ ربطی به آن ندارد، مثلاً حرارت باعث یخ بستن آب بشود.
۳. نبودن غایت و هدف خاص: حرکات و نظام‌ها به سمت غایت و هدف معینی به پیش نمی‌روند.
۴. رخ دادن حوادث پیش‌بینی نشده: مثلاً دیدن دوستی بدون خبر و هماهنگی قبلی به هنگام خرید در فروشگاه

بررسی معنای اول اتفاق

تعریف: رابطه علت با معلول (براساس) «وجود و ضرورت» است.

توضیح: «اگر معنای اول اتفاق را بپذیریم باید قبول کنیم که؛ ← (رد اصل علیت) ← (رد اصل علیت یعنی: وجود معلول بدون علت و با وجود علت ← معلول نباشد.»
خطای ذهنی: ذهن بایی خبری از تمام اجزای یک علت، معلول به وجود نمی‌آید و این بی‌خبری را به نبودن ضرورت میان علت و معلول نسبت می‌دهد.

اقسام علت:

الف) علت تامه: مجموعه عوامل پدیدآورنده یک چیز.
ب) علت ناقصه: هر یک از عوامل مجموعه.

بررسی معنای دوم اتفاق

تعریف: «نبودن رابطهٔ سنخیت و تناسب میان علت و معلول»
پیامدهای عدم پذیرش معنای سنخیت میان علت و معلول:

- انسان به هیچ کاری دست نمی‌زند چون رابطه‌ای میان کارها نمی‌بیند.
- عدم توانایی فرد در تبیین نظم و هماهنگی جهان
- عدم توانایی تشویق دانشمندان به کشف علل
- بی‌اعتبار شدن همهٔ علوم
- تناقض با هستی نظام‌مند و نفی قانونمندی از جهان

بررسی معنای سوم اتفاق

۱. مجموعه حوادث جهان یا برای رسیدن به هدف و غایت معین است.	تعریف جهان غایتمند
۲. قبول غایتمندی جهان درگرو قبول علت نخستین و علّة العلل است.	پیامد انکار جهان غایتمند
نفی علت نخستین و علّة العلل	

دبرگاه‌های فلاسفه نسبت به غایتمندی جهان هستی

الف) فیلسوفان معتقد به وجود علت نخستین و آفریننده:

جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، به سوی کمال خود در حرکت است و مرحله به مرحله کامل‌تر می‌شود.

ب) منکرین و غیر معتقدین به وجود علت نخستین و آفریننده:

۱. جهان هستی، غایتمند نیست و فرایندهای تکاملی در جهان امری اتفاقی بوده که از قبل قابل پیش‌بینی نبوده است.

۲. جهان به سوی یک غایت برتر در حرکت است و روز به روز کامل‌تر شده و به غایت خود نزدیک‌تر می‌شود.

نقد بر نظریهٔ فوق: غایتمندی جهان هنگامی قابل قبول است که غایت از قبل مشخص شده باشد تا موجودات به سوی آن حرکت نمایند و تکامل یابند و چنین غایت و هدفی بدون پذیرش آفریننده، امکان ندارد.

بررسی معنای چهارم اتفاق

تعریف: رخ دادن حادثهٔ پیش‌بینی نشده

نکات مهم و برجسته به معنای چهارم:

- با هیچ یک از اصول و لوازم علیت مخالفت ندارد.

- این معنا، مربوط به علم ناقص و محدود ما است.

- امری نسبی است، یعنی تنها افرادی که از یک حادثه بی‌خبر بوده‌اند برایشان اتفاقی است نه نسبت به همهٔ مردم

۱	الف) جاهای خالی را با کلمات مناسب تکمیل نمایید. ۱. قبول غایتمندی در جهان فقط با قبول علت نخستین و امکان‌پذیر است. ۲. به هر یک از عواملی که در پدید آمدن یک معلول دخالت دارند علت می‌گویند.
	(دی ماه ۹۹) (فرورد ماه ۹۹)



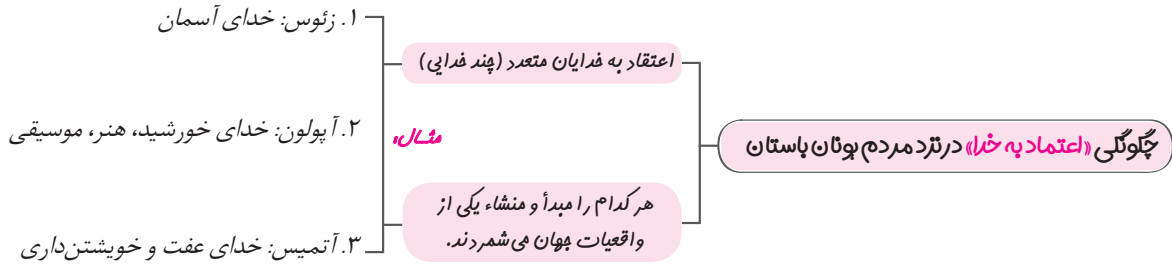
درس پنجم: (خدا در فلسفه - قسمت اول)

درسنامه

گلبرگ

درس پنجم: (خدا در فلسفه - قسمت اول)

آنچه در این درس خواهیم خواند:



الف) فیلسوفان یونان باستان

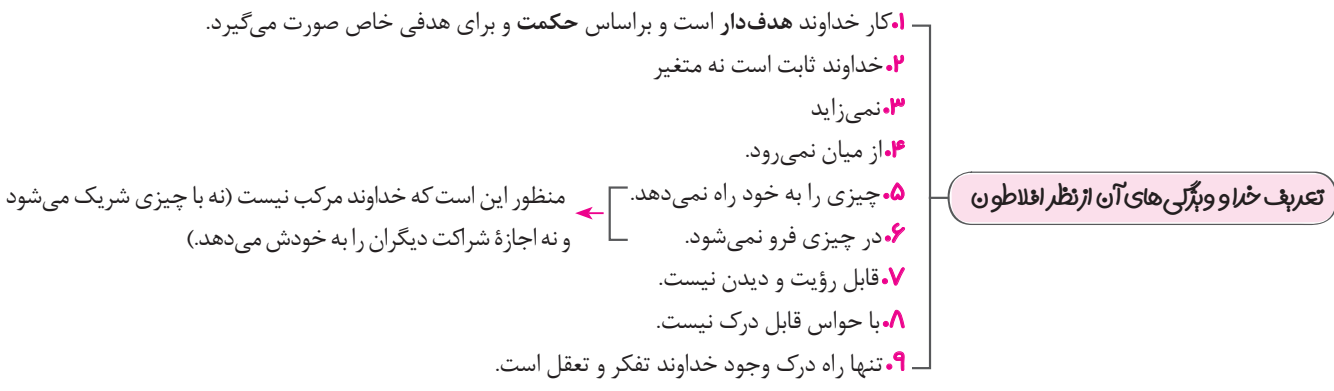
۱. سقراط:

اتهام سقراط: «او خدایانی را که همه به آنها معتقدند، انکار می‌کند و از خدایی جدید سخن می‌گوید.» افلاطون درباره اعتقاد به خدای سقراط می‌گوید: سقراط به وجود خدای یگانه معتقد بوده، تلاش کرده که مردم را به این حقیقت رهبری و هدایت نماید.

۲. افلاطون:

کلمه سخن یکی از مشهورترین افلاطون شناسان اروپایی: «افلاطون ابداع‌کننده خدانشناسی فلسفی است.»

تعریف خدا و ویژگی‌های آن از نظر افلاطون



تعبیر افلاطون درباره خداوند:

الف) مثال خیر:

همه چیز در پرتو آن دارای حقیقت می‌شوند. حقایق، شبیه به «مثال خیر» هستند نه خود آن شبیه به «روشنایی خورشید» است اما خود روشنایی نیست.

ب) صانع (دمیورژ):

خداوند آفریننده اشیا این عالم است. نظم جهان از وجودی عاقل سرچشمه می‌گیرد.